



چرخش به سمت

جوانان

نگاهی به تغییر و تحولات سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی

دکتر شیرین احمدنیا

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
و عضو هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران

نیمی از جمعیت امروز جهان، زیر ۳۰ سال سن دارند. با این حال، هنوز جوانان در سراسر جهان، با انواع چالش‌ها و موانعی نظیر بی‌کاری، تبعیض‌های جنسیتی، نابرابری و طرد اجتماعی، دسترسی نداشتن به آموزش عالی و مانند آن دست به گریبان‌اند. اگر تعریف جوان را افراد واقع در سنین ۱۵ تا ۲۹ سالگی در نظر بگیریم، جمعیتی قریب به یک میلیارد و هشتصد میلیون نفر را در سطح جهان شامل می‌شوند که از آن میان، بالغ بر ۹۰ درصد در کشورهای کمتر توسعه‌یافته زندگی می‌کنند. این نسبت هم اکنون در بالاترین سطح خود قرار دارد؛ هرچند رو به کاهش گذاشته است.^۱

در ارتباط با راهبردها و سیاست‌های جوانان اتفاق نظر عمومی به وجود آمده است که رشد درآمد (در جوامع) دیگر آن‌قدرها که تصور می‌شد، در توسعه انسانی نقشی ندارد، بلکه گسترش فرصت‌ها برای زندگی بهتر و ایجاد فرصت در این جهت که جوانان خود به کنشگران اصلی تعیین‌کننده مسیر زندگی خود تبدیل شوند، اصل تلقی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند، طی دهه‌های اخیر در راهبرد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حوزه جوانان نوعی «تغییر اساسی پارادایمی»^۲ اتفاق افتاده است. تا مدتی پیش، عمده مباحث مرتبط با جوانان بر مشکلات جوانان متمرکز بود و در واقع مباحث «مسئله‌محور» بودند و به همین دلیل، بر پیشگیری و درمان تأکید می‌شد. به همین مناسبت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، «الگوی بهداشت عمومی»^۳ با تمرکزی که بر پیشگیری،

مفهوم «Youth police» (سیاست جوانان) را به گونه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند. این اصطلاح به معنای سیاستی است که شرایط آموزش و کسب فرصت‌ها و تجربه‌ها را برای جوانان فراهم می‌کند تا در نتیجه آن، به آگاهی و مهارت دست یابند و بتوانند به حقوقشان برسند. این اصطلاح همچنین به معنای «تعهد و اقدامات حکومتی در جهت تضمین شرایط خوب زندگی و برخورداری جمعیت جوان از فرصت‌های مناسب» تعریف شده است و نیز می‌تواند به معنای «تأمین فرصت، امکان مشارکت و استقلال عمل» باشد.

معمولاً مقامات دولتی دست‌اندرکار سیاست جوانان می‌شوند که غالباً در جهت آگاهی‌بخشی، پیشبرد و کاربست سیاست‌های مطلوب با سایر کنشگران ذی‌ربط وارد همکاری می‌شوند. کنشگران در قالب نهادهایی مانند شوراهای جوانان، مدارس، تشکل‌های دینی/اعتقادی، رسانه‌ها، سمن‌های جوانان، و همچنین افرادی نظیر خود جوانان، پژوهشگران جوان، کارفرمایان، مددکاران اجتماعی، حرفه‌مندان پزشکی و بهداشت، معلمان، و بسیاری دیگر عمل می‌کنند. در سطح کشورها معمولاً تنوع سیاست‌ها را شاهد هستیم و گفته می‌شود سیاست جوانان در هر کشوری منعکس‌کننده نگاه حکومت به جوانانش است.^۱

کلیدواژه‌ها: سیاست جوانان، چرخش نوین، کسب فرصت و تجربه

مداخله و درمان، به دامنه وسیعی از مسائل جوانان داشت، به مدل اصلی مورد توجه تبدیل شده بود.

کاربرد این مدل حائز ارزش‌های بسیاری بود و موجب مشروعیت‌بخشی بسیاری از اقدامات و مداخلاتی در سطح مدارس و نهادهای آموزشی در ارتباط با مواجهه با مشکلات نوجوانان و جوانان شد. اقدامات مزبور عمدتاً صرف این موضوع می‌شد که در ارتباط با مسائلی نظیر خشونت، بی‌کاری جوانان، یا حاملگی‌های نوجوانان و نظایر آن چاره‌اندیشی شود یا پیشگیری صورت گیرد. اما در هر صورت، همه هم و غم مسئولان در این گونه موارد، متوجه مشکل خاصی بود که صرف نظر از اینکه اقدامات پیشگیرانه چقدر زودتر یا دیرتر شکل می‌گرفتند، معمولاً گامی فراتر از رسیدگی به مشکلات برداشته نمی‌شد.

تحولی که در راهبردهای جدیدتر شاهد هستیم این است که نوجوانان و جوانان از این پس، نه بر اساس مشکلاتی که در معرض قرار دارند یا درگیرش بوده‌اند، بلکه بر اساس ظرفیت‌های بالقوه‌شان مورد توجه و رسیدگی قرار می‌گیرند. این امر را می‌توان در قالب مثالی بیشتر توضیح داد: هنگام پیشنهاد یک جوان به کارفرمایی که ما بلیم او را استخدام کند، می‌توانیم به کارفرما بگوییم: «این جوان به مواد مخدر اعتیاد ندارد، عضو گروه تبهکاری نیست، افت تحصیلی نداشته است، درگیر روابط نامشروعی نبوده است، و... لطفاً او را استخدام کنید!» آن کارفرما ممکن است بگوید: «خب، خیلی هم عالی. اما حالا چه کاری بلد است؟ چه کاری از او برای من بر می‌آید؟!»

در صورتی که نتوانیم مهارت‌ها، ارزش‌ها، دانش و معلومات و تعهد کاری را در خصوص این جوان معرفی کنیم، راه چندان به جایی نخواهیم برد. خیلی خوب است که هر جوانی میرا از مشکلات باشد، اما کافی نیست. پیشگیری بسیار خوب است، اما کسی که فاقد هر گونه مشکلی باشد، الزاماً کاملاً آماده کاری هم نیست!^۵

از میانه دهه ۱۹۹۰، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شروع به گسترش ایده‌هایی با تکیه بر این شناخت کردند که فاقد هر گونه مشکل بودن در مورد جوانان کفایت نمی‌کند. هر جوانی لازم است در حیطه‌های متفاوتی پیشرفت کرده باشد؛ یعنی در زمینه‌های شناختی، اجتماعی، اخلاقی، شهروندی، حرفه‌ای، فرهنگی و سلامت جسمانی. با علم به اینکه چاره‌جویی برای حل مشکلات جوانان دیگر کافی نخواهد بود، سیاست‌گذاران شروع به گسترش و تولید راهبردهای جدید کردند. به این ترتیب، شکل دادن به

«خروجی‌های مثبت»^۶ یا دستاوردهای مثبت در رشد جوانان مد نظر قرار گرفت. البته پیروی از این پارادایم جدید به معنای آن نیست که پارادایم قبلی ارزشمند نبوده است یا کارایی ندارد. در شرایط جدید، نه فقط جوانان مشکل‌دار، بلکه همه جوانان که ظاهراً درگیر مشکل خاصی نیستند، مدنظر قرار می‌گیرند. سیاست‌گذاران امروزه بیش از پیش متوجه شده‌اند که جلب «مشارکت»^۷ جوانان نیز حائز اهمیت است و شعار جدیدتری نیز که مطرح شده، عبارت است از اینکه: «کسی که آمادگی کامل دارد، به معنای این نیست که الزاماً مشارکت کامل هم دارد»^۸. مطالعات متعددی اهمیت مشارکت دادن جوانان را تأیید کرده‌اند. جوانان «حق انتخاب کردن» و «حق شنیده شدن» دارند.^۹ طبق یافته‌های پژوهشی، افراد جوانی که نقش‌های فعالی در نهادها و اجتماعات را بر عهده می‌گیرند، با مشکلات کمتری نیز درگیر می‌شوند؛ همچنان که از مهارت‌های بیشتری بهره‌مند می‌شوند و بیشتر احتمال می‌رود به شهروند مادام‌العمر تبدیل شوند.^{۱۰} منظور از این شهروندی، شناخت فرد از قابلیت اثرگذاری‌اش بر محیط، مسئولیت‌پذیری‌اش نسبت به دیگران، و برخورداری از فرصت همکاری جمعی با دیگران برای رسیدن به اهداف مشترک است. باید به جوانان امکان تأثیرگذاری داد. جوانانی که هم با قلبشان و هم با مغزشان مشارکت می‌کنند و قدرت انتخاب هم دارند، بهتر فرا می‌گیرند.

رصد ادبیات پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر بر دستیابی به خروجی‌های مثبت توسعه جوانان به هفت مقوله از نوع «درونداد»^{۱۱} نیز اشاره دارد که خود در سه قالب خدمات، حمایت‌ها، و فرصت‌ها دسته‌بندی می‌شوند. این هفت مقوله عبارت‌اند از:

۱. مکان‌های باثبات: جوانان به مکان‌هایی نیاز دارند که نسبت به آن‌ها احساس تعلق کنند و در آن‌ها احساس امنیت داشته باشند. «خانه» یکی از این مکان‌هاست. سایر موارد می‌توانند مشتمل بر مکان‌های مذهبی و آموزشی، و فضاهای اجتماعی در محله یا حوزه همسایگی‌شان باشد.

۲. خدمات با کیفیت: برای مثال، تأمین تغذیه مناسب، وسایل ایاب و ذهاب، امکانات گذران اوقات فراغت، خدمات بهداشتی جسمانی و روان‌شناختی، امکانات کسب مهارت‌های حرفه‌ای و ...

پی‌نوشت‌ها

1. <http://coe.int/en/web/youth-policy>
2. Youth Development Index, 2016
3. Paradigm shift
4. Public health approach
۵. همان منبع
6. positive youth outcomes
7. participation
8. Fully prepared is not fully engaged
9. Choice and voice
10. Irby, Pittman and Ferber, 2001 in Pittman et al. (2003)
11. input
12. holistic

منابع

1. <http://coe.int/en/web/youth-policy>
2. Youth Development Index, 2016
3. Pittman, K., Irby, M., Tolman, J., Yohalem, N., & Ferber, T. (2003). Preventing Problems, Promoting Development, Encouraging Engagement: Competing Priorities or Inseparable Goals?. Based upon Pittman, K. & Irby, M. (1996). Preventing Problems or Promoting Development? Washington, DC: The Forum for Youth Investment, Impact Strategies, Inc. Available online at www.forumfyi.org.

۳. تعامل سالم با همسالان و بزرگسالان: برای مثال، امکان برقراری دوستی.

۴. استانداردها و چشم‌اندازهای والا: برای مثال، با تأمین مربیان و مشاورانی که پیشرفتشان را رصد و نظارت کنند.

۵. منابع و شبکه‌های ارتباطی و الگوی نقش: برای مثال، ارتباط با افراد تأثیرگذار.

۶. فرصت‌هایی برای مشارکت و تجارب چالش‌برانگیز: امکان عضویت در مجامع، انجام کارهای داوطلبانه، امکان کار و اشتغال، و ...

۷. آموزش با کیفیت بالا: امکان ارتقای فرایند یادگیری، امکانات پژوهش، امکان طرح ایده‌ها و مسائل.

در چارچوب دستور کار جهانی، برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار به عواملی که می‌توانند بستر ساز رشد و تعالی نوجوانان و جوانان باشند، اشاراتی شده است؛ عواملی نظیر کاهش فقر، پایان دادن به اشکال گوناگون سوء تغذیه، آموزش رایگان برابر برای دختران و پسران، رفع طرد و تبعیض، و جلوگیری از انواع خشونت. در میان کشورهای توسعه‌یافته، در اتحادیه اروپا بر رویکرد سیاست جوانان از نوع «کل‌نگر»^{۱۲} تأکید شده است که جنبه‌ی دربرگیرنده و عدالت‌گسترانه دارد. به نظر می‌رسد هر یک از جوامع با توجه به جایگاه خود در پیوستار توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اولویت‌های متنوعی را در قالب راهبردها و سیاست‌های جوانان دنبال می‌کنند و عوامل فرهنگی و ایدئولوژیکی در شکل‌گیری آن‌ها تعیین‌کننده هستند.

